

کتاب اندیشه

و پوزر ماها

جستارهای معرفت شناسی

فاطمه گلایی / ابراهیم شهبازی قیچا



انتشارات تپسا

خدایا جهان پادشاهی تو راست
ز ما خدمت آید خدایی تو راست

- سرشناسه : گلایی، فاطمه، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور : هابرماس و پوپر؛ جستارهای معرفت‌شناسی / نو: فاطمه گلایی،
ابراهیم شهبازی قیچاق
مشخصات نشر : تهران: تیسرا، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری : ۲۳۱ ص:؛ جدول، نمودار؛ ۲۱×۱۴/۵.
فروست : کتاب اندیشه، ۱.
شابک : ۱۱۰۰۰۰ ریال؛ 7-41-7212-600-978
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
یادداشت : کتابخانه.
یادداشت : نمایه
موضوع : هابرماس، یورگن، ۱۹۲۱ م-، نظریه درباره شناخت (فلسفه).
موضوع : پوپر، کارل ریموند، ۱۹۰۲-۱۹۹۴ م-، نظریه درباره شناخت (فلسفه)
موضوع : شناخت (فلسفه).
شناسه افزوده : شهبازی قیچاق، ابراهیم، ۱۳۶۴-
رده‌بندی کنگره : ۱۲۹۳ ۵۲ ۸۰۲ / ۱۶۱ BD
رده‌بندی دیویی : ۱۲۱
شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۳۰۷۴۷

هائرماس و پوپر: جستارهای معرفت‌شناسی
نویسنده: فاطمه گلایی، ابراهیم شهبازی قیچاق
چاپ اول: بهار ۱۳۹۳

شماره نشر: ۱۱۱

ویراستار: مینا پاکدل، نمونه‌خوان: فرشته نویختی، صفحه‌آرا: فاطمه حامدی یکتا

لیتوگرافی: کارآ، چاپ: دالاهو، صحافی: فرانگر

ناظر فنی چاپ: مصطفی شریفی

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۱۲-۴۱-۷

همه حقوق چاپ و نشر این اثر انحصاراً (طبق قرارداد) محفوظ است
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.
استفاده از مطالب یا ذکر منبع بلااشکال است.

انتشارات تیسا

تهران، بهارستان، خیابان ظهیرالاسلام، کوچه دیلمان، شماره ۶ واحد ۳. تلفن: ۳۳۹۹۹۴۲۳، ۳۳۹۹۲۴۷۰

www.teesa.ir

iteesa@mail.com

۹	پیشگفتار
۱۵	فصل یکم:
۲۲	۱. پرسش‌های پیش‌رو
۲۴	۲. واکاوی مفاهیم اساسی
۲۵	۳. معرفت‌شناسی
۲۸	۴. کاربردپذیری
۲۹	۵. انواع دانش
۳۰	۶. معرفت‌شناسی در نگاه جامعه‌شناختی
۳۲	۷. معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش
۳۵	۸. معرفت‌شناسی در نگاه انتقادی
۴۰	فصل دوم: معرفت‌شناسی هابرماس
۴۲	۱. نظریه و عمل (۱۹۶۳)
۴۹	۲. در منطق علوم اجتماعی (۱۹۶۷)
۵۶	۳. دانش و علایق انسانی (۱۹۶۸)
۶۰	۴. دانش معطوف به کار
۶۱	۵. دانش عملی
۶۲	۶. دانش‌رهای بخش
۶۶	۷. طرح کلی از معرفت‌شناسی هابرماس
۷۲	فصل سوم: معرفت‌شناسی کارل پوپر

۷۷	۱. منطق اکتشاف علمی (۱۹۳۴).....
۷۸	۲. مسئله استقرا.....
۸۲	۳. ابطال‌پذیری به عنوان جایگزین.....
۸۴	۴. فقر تاریخی‌گری (۱۹۵۷).....
۸۹	۵. رئالیسم و هدف علم (۱۹۵۷).....
۹۲	۶. جامعه باز و دشمنان آن (۱۹۴۵).....
۹۷	۷. تحلیل موقعیتی.....
۱۰۰	۸. نظریه سه جهان دانش (۱۹۷۸).....
۱۰۶	فصل دوم: هابرماس و پوپر؛ تحلیل‌های تبیینی - مقایسه‌ای.....
۱۰۶	۱. تفاوت‌ها.....
۱۰۶	۱-۱. زمینه‌های تبیینی.....
۱۱۹	۱-۲. گرایش‌های سیاسی.....
۱۲۴	۱-۳. تفکرات غایت‌ناسان.....
۱۲۸	۲. شباهت‌ها.....
۱۳۰	فصل پنجم: هابرماس و پوپر؛ مقایسه روش‌شناختی دیدگاه‌ها.....
۱۳۰	۱. تفاوت‌ها.....
۱۳۰	۱-۱. مکتب فرانکفورت در مقابل مکتب اثبات‌گرایی.....
۱۳۷	۱-۲. انتقادگرایی هابرماس و پوپر.....
۱۴۲	۱-۳. پایه‌های معرفت‌شناسی هابرماس و پوپر: پاسخ به پرسش نخست.....
۱۴۹	۱-۴. رابطه نظریه با عمل در اندیشه هابرماس و پوپر.....
۱۵۲	۱-۵. آرای هابرماس و پوپر درباره ارزش.....
۱۵۷	۱-۶. تبیین‌گرایی پوپر در مقابل رهایی‌گرایی هابرماس: پاسخ به پرسش دوم.....
۱۶۳	۱-۷. روش‌شناسی هابرماس و پوپر در علوم اجتماعی: پاسخ به پرسش سوم.....
۱۷۰	۲. شباهت‌ها.....
۱۷۰	۲-۱. شباهت‌های معرفت‌شناختی.....
۱۷۳	۲-۲. تحلیل روابط روش‌شناختی - معرفت‌شناختی.....
۱۸۰	فصل ششم: رویکرد معرفت‌شناختی هابرماس و پوپر به علوم اجتماعی.....

فهرست ۷

۱. هابرماس	۱۸۰
۱-۱. نقد هابرماس	۱۸۲
۱-۲. نقد پوپر	۱۸۵
فصل هفتم: یوزگن هابرماس یا کارل پوپر	۱۹۱
۱. نتایج بحث هابرماس	۱۹۲
۲. نتایج بحث پوپر	۱۹۷
۳. جامعه‌شناسی و معرفت‌شناسی: پاسخ به پرسش چهارم	۲۰۱
۴. یوزگن هابرماس و کارل پوپر: پاسخ به پرسش پنجم	۲۰۸
۵. پیشنهاد نظری پاسخ به پرسش ششم	۲۱۱
کتابنامه	۲۱۹
نمایه	۲۲۹

پیشگفتار

شناخت جامعه‌شناسی از تلاش‌های انسان بوده که همواره از زمان‌های بسیار دور وجود داشته است و بر اطلاعات تاریخی که به دست ما رسیده است، حتی فیلسوفان یونان به‌شماره نیز سعی در شناخت جامعه کرده و همواره بر آن بوده‌اند که با شناخت آن بتوانند راه‌هایی برای بهبود وضعیت یا حل مشکلات جامعه پیدا کنند. بحث همیشه مستلزم روش است و شناخت جامعه نیز از این قانون مستثنی نیست. به همین خاطر از زمان‌های دور در کتاب‌های فلسفه تکنیک‌هایی مانند استدلال، قیاس^۱ برای حصول شناخت مطرح شده و بر سر آنها مناقشه‌های فراوان صورت گرفته و به تدریج اصول و روش‌های دیگری به آنها اضافه شده است. شناخت به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی، همواره نوع بیش‌تر آن نسبت به جهان طبیعی و جهان اجتماعی تعیین می‌کند و به نوبه خود نیز تحت تأثیر عوامل گوناگونی مانند ساختار بیولوژیکی و زبانی انسان، ساختار نهادها و اجتماع، روابط قدرت، ارزش‌ها و مطلوب‌ها بوده است. معرفت‌شناسی و

1. Induction

2. Deduction

نظریه شناخت یا تأمل و تفکر بر روی شناخت نیز از همان ابتدای تفکر بشری چه به‌طور بارز و نظام‌مند در درون رشته‌های خاص و چه به‌طور ضمنی در خلال نظریه‌های متفاوت، وجود داشته است. معرفت‌شناسی کنونی، به عنوان رشته‌ای خاص که در زیرمجموعه فلسفه قرار می‌گیرد، با موضوعاتی چون منبع، چگونگی، حدود، روش تحلیل و ارزش دانش سروکار دارد. از میان همه نحله‌هایی که معرفت‌شناسی به آنها می‌پردازد، دانش‌پسندی و چگونگی شناخت و روش شناخت در این نحله از اهمیت بسزایی برخوردار است. به نظر می‌رسد که دانش اجتماعی به عنوان رشته‌ای نوظهور به خود در وقف شناخت جامعه و انسان‌ها با ارتباطات متفاوت ساخته است. بیشتر از رشته دیگری نیاز به معرفت‌شناسی متناسب با موضوع پیچیده خود دارد.

پس از انقلاب صنعتی، روی کار آمدن جامعه‌شناسی به عنوان نحله‌ای فکری، نظریه‌هایی خاص راجه به تعریف، روش شناخت جامعه روش‌های متعددی مطرح شدند. روش‌شناسی و تشخیص درست راه شناخت جامعه را می‌توان از مباحث مهم و بنیادی در شناخت جامعه به‌شمارد. برای علم و به‌طور کلی شناخت، اهداف متعددی مطرح شده‌اند که در ردیف مشترک آنها را می‌توان زیر عنوان حل مسائل موجود و راهنمایی بشر به سوی رفاه و سعادت بیشتر گنجانید، ولی چگونه و با چه روشی، به‌ویژه در جامعه‌شناسی، رسیدن به این مهم امکان‌پذیر است؟ معرفت‌شناسی رشته‌ای است که موضوع خود را روش دانش و خود شناخت قرار داده‌است و به همین دلیل استفاده از این اصطلاح محکم معرفت‌شناختی می‌تواند رهنمودی اساسی برای روش‌شناسی در دانش اجتماعی تلقی شود؛ زیرا با استفاده از بیش معرفت‌شناسانه^۱، فاعل شناسا^۲ از

1. Epistemological perspective

2. Subject

موضوع^۱ خود طرح کلی و منسجمی دارد و با نگاه از بالا تسلط بیشتری بر روی شناخت خود پیدا می‌کند. به دلیل اهمیت بورگن هابرماس^۲ و کارل پوپر^۳ در زمینه روش‌شناسی دانش اجتماعی، بر آن شدیم که معرفت‌شناسی این دو اندیشمند را بررسی کنیم. با توجه به اهمیت این دو متفکر در حوزه‌های یادشده، شناخت، روش و بینش آنها نسبت به دانش برای جویندگان آگاهی در زمینه دانش اجتماعی ضرورتی انکارناپذیر می‌نماید، زیرا شناخت روش و دیدگاه‌ها معرفت‌شناختی هابرماس و پوپر می‌تواند راهگشایی برای دانشجویان و حتی اساتید علوم اجتماعی در پژوهش‌های اساسی باشد و همچنین بحث در مورد بینش به پیشی بهتر از آنچه اکنون داریم نسبت به جهان و به‌ویژه پیرامون خود شود.

انگیزه اصلی در تدوین کتاب حاضر این است که بتواند مبنای بهتری برای ارائه برنامه‌ها و طرح‌ها که در پی کار بر روی فلسفه روش و چگونگی آن در علوم اجتماعی هستند، و در عین حال بحث درباره چیستی، روش، رسالت، مطلوب و کاربردی بودن دانش اجتماعی را ارائه دهد، زیرا ما چه به عنوان متخصصان حوزه علوم اجتماعی و چه به عنوان افراد جویای شناخت در این زمینه، اگر آشنایی جامعی از وضعیت روش علم به‌طور کلی و جامعه‌شناسی به‌طور خاص نداشته باشیم، نمی‌توانیم رسالت این دانش را بشناسیم و در ادامه آن ممکن است رفتار برخی گمراه‌ها بشویم و به جای حل مسائل اجتماعی، مسبب پیدایش مشکلات بیشتری باشیم. به وجود دارد، باشیم؛ بنابراین پژوهش در مورد آرا و اندیشه‌های این دو اندیشمند و شناسایی معرفت‌شناسی آنها با نگاهی مقایسه‌ای می‌تواند راهگشایی برای پژوهش‌های دیگر در ارتباط با موضوع بوده و در عین حال ما را به پیشنهاد

1. Object

2. Jurgen Habermas

3. Karl Popper

و توسعه نظری در این زمینه رهنمون سازد.

در کتاب حاضر، با قبول این ایده که هستی‌شناسی انسان‌ها بنیادی برای شکل‌گیری معرفت‌شناسی آنها بوده و از طریق این معرفت‌شناسی است که به روش‌شناسی و درنهایت غایت‌شناسی می‌رسیم؛ بر آن شدیم تا معرفت‌شناسی پورگن هابرماس و کارل پوپر را مقایسه و بررسی کنیم. پورگن هابرماس به عنوان بزرگ‌ترین و پرنفوذترین فیلسوف و جامعه‌شناس عصر حاضر و کارل پوپر، به عنوان پرنفوذترین فیلسوف روش‌شناسی علم قرن بیستم، اهمیت زیادی در شکل‌گیری مباحث و حتی مکاتب کنونی داشته‌اند. هر یک از این دو روش‌شناسی و عقل‌گرایی انتقادی‌ای که دارد، در فلسفه علم و روش آن، به سوی بی‌رقیبی بوده است، هرچند که علاقه پوپر بیشتر متوجه حوزه علم طبیعی بوده است تا علوم اجتماعی، ولی در سطح کلی با طرح ایده ابطال‌پذیری از نظر جدیدی در روش‌شناسی علم گشوده است. هابرماس نیز بنا بر میراث گسارده خود از فیلسوفان عصر روشنگری و مکتب فرانکفورت و بنا بر ویژگی‌های نوگویی بودن آثارش در رویارویی با دیدگاه‌های مخالف، به گستره وسیع‌تری از موضوعات متفاوت مربوط به شناخت پدیده‌های مدرن اجتماعی و سیاسی پرداخته است.

به نظر می‌رسد که بررسی و پژوهش بر روی معرفت‌شناسی این دو دانشمند بتواند راهنمایی و افق‌هایی برای دانش اجتماعی و حداقل بهانه‌ای برای تأمل در روش کنونی مسلط در علوم اجتماعی باشد.

فصل یکم این کتاب به بیان موضوع اصلی موردنظر و ضرورت کار بر روی این موضوع می‌پردازد و مباحثی مانند پرسش‌های پیش‌رو و مفاهیم اساسی مرتبط با بحث معرفت‌شناسی مطرح می‌شوند. در فصل دوم و سوم سعی شده است تا منابع و آثار هریک از متفکران یادشده و نظریات معرفت‌شناسانه آنها به طور خلاصه بررسی شود و گزاره‌های مربوط به

معرفت‌شناسی هریک از این دو متفکر بیان شود. در این راستا فقط به آثاری که حاوی نظریات معرفت‌شناسانه هابرماس و پوپر بودند، پرداخته شده‌است و از بررسی آثار و منابع خارج از حوزه معرفت‌شناسی پرهیز شده‌است. فصل چهارم به بررسی تطبیقی موضوعات مطرح در معرفت‌شناسی هر کدام از متفکران می‌پردازد و سعی شده است تا مقایسه‌ای منسجم و کامل از نظریات مربوط به شناخت و روش شناخت این دو متفکر به دست داده شود. فصل پنجم نیز به مقایسه مکاتب و دیدگاه‌های موجود در آرای هابرماس و پوپر می‌پردازد و می‌کوشد تا به شکل‌های مختلف، این مقایسه‌ها قابل فهم و خلاصه شود. در طی این مباحث از فصل پنجم به بعد تلاش بر این بوده که به‌ندرت تا آخر فصل هفتم به پرسش‌های مطرح پاسخ داده شود و در حد پیشنهاد، به‌تأیید یا رد معرفت‌شناسی این دو نظریه‌پرداز، کاربردپذیری روش‌های طرح شده به‌وسیله این دو اندیشمند در علوم اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در این راستا توسعه نظری لازم حاصل شود.

اگرچه این توسعه نظری نیاز به اسدلال و توجیه‌های بسیاری دارد که از حوصله بحث و گنجایش یک کتاب خارج است، ولی امید است این اثر بتواند در حوزه روش و تفکر علوم اجتماعی برای افراد دانش‌گاهی به‌ویژه دانشجویان حوزه علوم انسانی و اجتماعی مفید باشد. رنگارنگی این اثر تلاش بر این بوده که در عین سادگی و روانی مطلب، اطلاعات مربوط در حوزه معرفت‌شناسی پوپر و هابرماسی ارائه شود، با این حال باید گفت که هیچ متنی نمی‌تواند از عیب‌بری باشد؛ بنابراین انتظار می‌رود که خوانندگان با نگاهی نقادانه به متن، نظرات و پیشنهادها سازنده خود را به مؤلفان اثر منتقل کنند.

در اینجا بر خود لازم می‌دانیم تا از جناب آقای دکتر محمدباقر

علیزاده/قدم، دانشیار محترم گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز که قبول زحمت فرموده و در راستای هدایت و غنای هرچه بیشتر بحث تلاش و کمک فراوانی کرده‌اند، قدردانی کنیم. همچنین از سرکار خانم دکتر فتانه حاجیلو که در راستای روانی و ویرایش متن راهنمایی‌های ارزنده‌ای اشتنازند، سپاسگزاری کنیم و در نهایت از خانم میرزا علیلو و خانم نجفقلی از روسسه آیشن کامپیوتر که تایپ و صفحه‌بندی فصل‌های این کتاب را بر عهده داشتند، تشکر می‌کنیم.

فاطمه گلابی، ابراهیم شهبازی قپچاق

تبریز